

پاسخ آقای دکتر یزدی به سئوالات روزنامه ایران ویج

سؤال: چه عواملی باعث انتشار بیانیه وزارت اطلاعات شد؟

پاسخ: قبل از قتل‌های زنجیره‌ای سال گذشته و انتشار بیانیه وزارت اطلاعات قتل‌های متعددی از روشنفکران دینی، نویسندگان و شاعران و روزنامه‌نگاران متعهد، از رهبران اقلیت‌های مذهبی و دینی، توسط عناصر خودی درون حاکمیت صورت گرفته بود، اما هیچ کدام منجر به صدور بیانیه مشابهی نشد. در بررسی عللی که موجب صدور بیانیه وزارت اطلاعات و اعلام وجود یک محفل یا یک دسته جنایتکار در آن وزارت‌خانه شد، دو دسته از عوامل قابل ملاحظه می‌باشد. دسته اول عواملی که ناشی از جو سیاسی حاکم بر کشورمان، بعد از خرداد ۷۶ و پیروزی آقای خاتمی می‌باشند. باید پذیرفت آن چه در خرداد ۷۶ اتفاق افتاد، حادثه کم و کوچکی نبوده است. ابعاد به مراتب عمیق‌تر و گسترده‌تر از تغییر یک رئیس جمهور است. یکی از پدیده‌های مهم بعد از خرداد ۷۶، ظهور روزنامه‌های مستقل و آزاداندیش با رسالت رسانه‌ای می‌باشد. این روزنامه‌ها نقش عمده‌ای در آگاه ساختن مردم و تغذیه افکار عمومی داشتند.

دسته دوم عواملی است که از ناحیه شخص رئیس جمهور منتخب مردم، آقای خاتمی سرچشمه می‌گیرد. سیاست عاقلانه و مدبرانه ایشان در قانع ساختن مقامات بالاتر در ضرورت صدور آن بیانیه بسیار موثر بوده است. در واقع این یکی از پیروزی‌های بسیار چشم‌گیر ایشان محسوب می‌شود.

سؤال: این بیانیه چه تاثیری بر رابطه حاکمیت و مردم گذاشت؟

پاسخ: اثرات این بیانیه را باید در ابعاد گوناگون بررسی کرد.

از یک طرف رابطه‌ی میان مردم با رئیس جمهور را تقویت کرد، از طرف دیگر سوءظن مردم را نسبت به دستگاه‌ها و نهادهای قدرتمند حکومت به شدت بالا برد. مردم تصور نمی‌کردند که محافلی از وزارت اطلاعات که باید حافظ امنیت کشور در برابر تهاجمات پنهانی بیگانگان باشد تا این سطح سقوط کرده و از امکاناتی که در اختیار داشته‌اند، دست به چنین جنایاتی بزنند. این بیانیه و به دنبال آن استعفای وزیر اطلاعات وقت نه تنها بر رابطه مردم و حاکمیت اثر گذاشت، بلکه بر ساختارها و روندها سیاست‌های درون وزارت اطلاعات نیز اثر گذاشته است. این اثرات در رفتارهای اخیر وزارت اطلاعات با بازداشت شدگان کاملاً مشهود بوده است.

سؤال: نقش افکار عمومی، مردم و مطبوعات در انتشار بیانیه چیست؟

پاسخ: هر دو مورد نقش اساسی داشته‌اند. مطبوعات به موقع و به درستی مردم را از حوادث آگاه کردند و مردم با استقبال از روزنامه‌ها، حرکت آنها را تایید و حمایت نمودند. در غیاب احزاب سیاسی گسترده، روزنامه‌ها نقش مهمی را ایفا کردند. یکی از هدف‌های این قتل‌ها مرعوب ساختن مخالفین حاکمیت (نه نظام) بود. اما نه مردم و نه هیچ یک از گروه‌ها مرعوب نشدند و علیرغم نابوری از این قتل‌ها و جنایات

با حضور گسترده خود در مراسم، نشان دادند که مرعوب نشده‌اند و برعکس جنایتکاران را مرعوب ساختند.

سؤال: این بیانیه چه تاثیری بر حیات و حرکت گروه‌های فشار در جامعه داشت؟

پاسخ: تاثیر منفی این جنایات جامعه و افکار عمومی را آن چنان تکان داد که برخی از گروه‌های فشار را که در جریان این قتل‌ها نبودند و احیاناً موافق این شیوه‌ها نبودند را نیز وادار به تجدیدنظر در رفتارهایشان نمود.

آمرین، عاملین و محرکین برخی از این گروه‌های فشار تحت تاثیر افکار عمومی مجبور به عقب‌نشینی تاکتیکی شدند. شاید مهمترین اثری که این بیانیه بر جای گذاشت ترس آمرین، عاملین و محرکین گروه‌های فشار از عواقب رفتارهایشان بود وقتی نفر دوم در وزارت اطلاعات به آن سرنوشت دچار می‌شود، به طور طبیعی عناصر فعال گروه‌های فشار قبل از انجام اوامر و برنامه‌ها دوباره فکر می‌کنند. چه بسا سرنوشت مشابهی گریبان آنها را هم بگیرد.

سؤال: آیا ممکن است قتل‌های مشابه دوباره رخ دهد؟

پاسخ: خیر. حداقل تا مدت‌ها به نظر می‌رسد که گروهی جرات دست زدن به چنان جنایاتی را ننمایند، خصوصاً که پرونده رسیدگی به قتل‌ها هنوز به سرانجام نرسیده است و علیرغم میل و اصرار مقامات عالی رتبه، جو عمومی جامعه به گونه‌ای است که هنوز نتوانسته‌اند، پرونده را ببندند و سر و صدایش را خوابانند. بنابراین فکر نمی‌کنم دوباره این نوع قتل‌ها اتفاق بیافتد. اگر چه ممکن است بقایای محافل وابسته به سعید امامی دست به برخی اعمال خودسرانه بزنند. البته اگر برنامه توسعه سیاسی آقای خاتمی به کلی شکست بخورد و جریان‌های راست افراطی بتوانند بر اوضاع تسلط کامل پیدا کنند، ممکن است حوادث دیگر و سرکوب‌های نوع دیگری اعمال گردد.